

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ جولای ۲۰۲۱

"... بیدارت همیالی هیچ اس*"

سه شنبه- ۵ اسد ۱۴۰۰ - کابل: امروز فرصت دست داد و مصاحبه یک تن از اخوانی های دو آتشه و سرسخت باند "ربانی- مسعود" یعنی "حفیظ منصور" را با تلویزیون طلوع مشاهده نمودم. "حفیظ منصور" در پاسخ به سؤال مصاحبه کننده که پرسید، تمام مسافرت و اقامت هیأت دولت در دوحه چه دست آوردی داشته است، گفت: "یگانه دستاورد، تکمیل شناخت ما از طالب است. یعنی خلاف تمام ادعا هائی که رسانه های غربی و طرفداران طالب می نمودند که گویا طالب تغییر خورده است، ما در جریان تمام دید و بازدید ها دریافتیم که در آنها هیچ نوع تغییری، نه شکلی و نه هم محتوایی به وجود نیامده است" - نقل به معنا- در یادداشت امروز بحث کوتاهی در همین زمینه داریم، اما نخست صحبت مان را با داستان فکاهی گونه از گذشته آغاز می نمائیم:

۱- گوروگردن روایت کنندگان- گویند زمانی که در اواخر دهه ۴۰ یعنی دقیقاً در جوزای سال ۴۷، رهبران جریان "شعله جاوید" مورد تهاجم پولیس "ظاهر شاه" به گفته "ببرک کارمل"، "مترقی ترین شاهان" قرار گرفتند و همه را به بند و زنجیر بسته به زندان افگندند، استاد "انجنیر عثمان" یک تن از رهبران آنروز "شعله جاوید" که بعد ها از مبارزه دست کشید، یکی از روزها یا به مثابه کار تبلیغاتی و یا هم مطایبه، یک تن از افسران زندانباش را مخاطب قرار داده پرسید: رتبه ات چیست؟ طرف پاسخ داد: دوهم بریدمن. بعداً چه می شوی؟ لمری بریدمن. به همین قسم سؤال و جواب ادامه یافت، تا این که افسر پولیس گفت: جنرال و ... وقتی باز هم "انجنیر عثمان" پرسید: بعد از آن؟ سرانجام حوصله افسر تمام شده گفت: "بعد از آن هیچ".

انجنیر که گویا از اول منتظر شنیدن همین کلمه "هیچ" بود، افسر را مخاطب قرار داده گفت: "سالها می زنی تا هیچ شوی، بیادریته سیل کو، همیالی هیچ اس**"

۲- هر چند من در جریان دقیق چگونگی تمویل هیأت مذاکره کننده دولت دست نشانده با طالب در دوحه نیستم و نه تنها نمی دانم که مصارف روزانه و کلی آنها چه مقدار است، بلکه از این هم اطلاع ندارم که آن مصارف از کدام طرف تمویل می گردد، با آنهم هر مقداری که باشد و از هر جیبی که پرداخته شود، وقتی ماحصلش تکمیل شناخت هیأت باشد، همان حرف "انجنیر عثمان" را تداعی می نماید که "بیدارت همیالی هیچ اس". یعنی چه کسی در افغانستان باشد که تاحال طالب را نشناخته باشد و از اعمال و کردارش چه در مناطق تحت سلطه اش و چه هم در مناطق جنگی و یا هم

مناطق تحت حاکمیت دولت دست نشانده، اطلاع نداشته باشد تا جهت تکمیل شناخت مجبور باشند میلیونها افغانی از طرف و یا به نام مردم فقیر و دردمند افغانستان به مصرف برسد.

۳- به "منصور" و "منصورها" باید فهماند، وقتی کسی چشمش را بر روی کشتارهای همه روزه طالب ببندد؛ وقتی کسی نخواهد ظلم و ستم آنها را بالای زنان، اهل علم و در کل آنهایی که بوئی از تمدن و مدنیت برده اند، ببیند؛ وقتی کسی با حافظه و وجدان تاریخی اش خداحافظی نموده باشد و نخواهد گذشته ننگین و خونبار دوران حاکمیت آنها را به یاد آورد، می تواند مطمئن باشد که مدتی "پلو خوری" و زندگانی در دوحه، نه تنها شناختش را از طالب تکمیل نخواهد کرد، بلکه در باطن و در خفا چنان اشخاصی را به دعا گوی طالب نیز مبدل می سازد. چنان افرادی همیشه شکر خواهند نمود که طالب است تا آنها لقمه ای نان بدون هراس از انفجار و انتحار در گلو فرو می برند.

۴- هرگاه پاسخ های امروزی "حفیظ منصور" را در باره "غنی احمدزی" با نظرات قبلی اش در همین زمینه مقایسه نمائیم، فکر می کنم تنها کسی که از این "هیأت بازی" نفع برده، "غنی احمدزی" است، چه عضویت در هیأت و برخورداری از خوان نعمت گسترده در آن، اخوانی دو آتشه دیروزی طرفدار مجلس "حل و عقد" حاکمیت "ربانی-مسعود" را نه تنها طرفدار "جمهوریت" ساخته است، بلکه تلویحاً به درگاه "غنی احمدزی" نیز سجده نموده، می خواهد چنان نمایش دهد که گویا با "عبدالله عبدالمود" فاصله دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزعلایتجای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!

*- به زبان نگارش: "برادرت همین حالا هیچ است"

** - سالها زحمت می کشی تا هیچ شوی، برادرت را ببین، همین حالا هیچ است"

ع. ق.